

دین اسلام چیزهایی دارد که بقیه ادیان الهی ندارند!

?????, ??????, ??????, ??????, ??????

یحیی پانز ۲۰ ساله بود که جوشش «چرا»ها در ذهنش جوانه زد. از آن زمان بود که چراغ فکر او روشن شد اما یافتن حقیقت در سرزمین کفر و گم شدن برای او سخت بود.

وقتی پانز وسائل سفر از جبل الطارق به مقصد شهرهای مختلف را آماده می‌کرد، دیوار ذهنش به کوتاهی رسیدن به گروه‌های محیط زیست بود. او اصلاً قرار نبود مسلمان شود، یا به خاطر دینی که انتخاب کرده سر بر سجده بگذارد و نماز بخواند، روزه بگیرد و عادت‌های بی‌ارزش و لذت‌های زودگذر را ترک کند و دل در صحرای عشق به خداوند بشوید، اما در میانه راه، - به گفته خودش - به چاله افتاد و این اهداف برای او بی‌ارزش و بی‌معنی بود و از این عادت پست زندگی ناراضی.

«چرا»های زیادی که در ذهن یحیی پانز وجود داشت او را به دنبال حقیقت اصلی دین کشاند. سال‌ها از راه دور و نزدیک نظاره‌گر زندگی پیروان ادیان الهی و البته مسلمانان بود.

او که پس از تشریف به اسلام اسم خود را از «جان پانز» به «یحیی پانز» تغییر داده می‌گوید: وقتی با مسلمانان بحث می‌کردم خیلی برایم جالب بود، بنابراین فهمیدم که دین اسلام چیزهایی دارد که بقیه ادیان الهی ندارند. از آن زمان جرقه مسلمان شدن در ذهنم خطور کرد. اولش در مورد شیعه یا سنی بودن چیزی نمی‌دانستم و مثل مسلمانان سنی مذهب در اسپانیا نماز می‌خواندم اما بعدها فهمیدم که شیعه چیزی است که من دنبالش بودم.

پانز ۵۰ ساله، با لحنی پر از حس کنجکاوی که از تکان دادن دست‌ها و سرش قابل درک است می‌گوید: به مرور زمان با مردمانی که در اسپانیا بعد از انقلاب امام خمینی(ره) شیعه شدند آشنا شدم. یکی از دوستان وصیت نامه امام را به من داد و با مطالعه آن احساس کردم یک نور وارد فکر من شد. با خودم گفتم این مردی که در غرب از او به اسم دیگری نام برده می‌شود واقعاً یک فرشته و مرد نورانی است. فهمیدم که باید دنبال اسلامی که امام خمینی(ره) می‌گوید باشم.

بعد از مدتی برای یحیی پانز مسجل شده بود که باید به جای ماندن در آندولس به ایران سفر کند، اما پیش از آن، به خاطر علاقه زیاد به فرهنگ مقاومت به همراه دوستانش راهی جنوب لبنان شد. یک سال بعد یحیی برای کشف حقیقت راهی ایران و سپس قم شد؛ کشفی که بیش از ۱۲ سال به طول انجامید.

امام خمینی(ره) پدر آینده من

از او می‌پرسم پیش از مسافرت و سکونت در ایران چه تصویری از این کشور در ذهن داشته است. با لبخندی بر لب می‌گوید: قبل از اینکه به ایران سفر کنم انقلاب اسلامی و مقاومت حزب [ا] را حرکت‌های نجات بخش می‌دانستم و می‌دیدم که نوری در تاریکی اروپا می‌درخشد اما این حالت من کمی احساسی بود که از دور نگاه می‌کردم؛ درست مثل توپ بهشت که همیشه دنبالش بودم. بعد از اینکه به ایران آمدم وارد حقیقت شدم و بعد از مدتی فهمیدم که هنوز مشکلاتی در ایران وجود دارد ولی این برای من مسجل شده بود که ارزش‌هایی که انقلاب اسلامی دارد قابل مقایسه با اهداف مادی نیست.

چون دنبال فهمیدن بودم انگار از صفر وارد زندگی دیگری شدم. حرف‌های همه را باور می‌کردم اما هر حرفی که امام خمینی(ره) بیان می‌کردند را نمی‌شد به سادگی از کنارش گذشت، بنابراین امام خمینی پدر آینده من شد و هر چه ایشان می‌فرمودند تشنگی مرا برای فهمیدن بیشتر می‌کرد. از آنجا بود که فهمیدن اینکه در دنیا چه کنیم مهم‌ترین اولویت آینده من و سخت‌ترین قسمت زندگی‌ام شد.

خنجر زهرآلود عادت بر قلب تمدن آندولس

خوشحالی خودش را هنگام روایتش پنهان نمی‌کند و برایم از خنجر زهرآلود عادت‌های بی‌مهابا که بر قلب تمدن کهن آندولس فرود آمده می‌گوید: اسپانیا حدود ۸ قرن در دست مسلمانان بود و نور آن تمدن اروپا را نورانی ساخته بوده و علم و ادب و صنعت فقط در همین سرزمین اروپایی رونق داشت، از همین رهگذر بود که علوم مختلف در اسپانیای اسلامی تکمیل شد و به بار نشست.

این تحول و پیشرفت زمانی بود که اروپا گرفتار دوره رکود علمی قرون وسطی بود و از نادانی و جهالت رنج می‌برد، اما بعد از مدتی فساد و تباهی و اختلاف را در تمام پیکره جامعه اسلامی رسوخ دادند و جامعه اسلامی را از درون تهی و توان مقاومت را از آنها گرفتند و این فرهنگ و تمدن اسلامی دچار اضمحلال شد.

از نظر یحیی پانز وقتی موسوعه عادت‌های ضدارزشی وارد زندگی هر جامعه بشری شود ارزش‌های آن جامعه را کمرنگ می‌کند. از این روست که او به جامعه ایران هشدار می‌دهد که دشمنان در صدد از بین بردن فرهنگ اسلامی که زیربنای جامعه اسلامی هستند.

شنیدن این جملات از کسی که نگاه متفاوتی به ایران دارد قابل تأمل است که "متأسفانه در این زمان حساس موضوع فرهنگ امری ناقص و پی‌ارزش دیده می‌شود و روزنامه، تلویزیون، هنر، سینما و... جزئی از این مهم نیست. آندولس در این عادت‌ها افتاده که وارد کار نفهمیدن ارزش فرهنگ شد."

با اندکی تأمل می‌گوید: "الان در ایران مشکل دورشدن از فهم فرهنگ دین را می‌بینم و بسیاری از مسائلی که در ایران می‌گذرد از جمله اقتصاد و... غربی است ولی رنگ فرهنگ اسلامی دارد."

در آندولس از حالت انقلابی و پاک مسلمان بودن سرگرم عادت‌های غلط و گیج کننده شدند و به جای حقیقت و عدالت به دنبال عادت‌ها رفتند اما در ایران روح آندولس بلکه قوی‌تر از آن وجود دارد و ایران توانست یکی از ارکان بزرگ تفکر شیعی یعنی ولایت فقیه را پیاده کند.

ایجاد شهرک نمونه برادری

یحیی پانز زندگی مدرن امروزی را مثل یک کشتی می‌داند که با فکر و عادت غلط هر روز پوسیده‌تر شده و مسافران خود را دچار مشکلات و سختی‌های مختلفی می‌کند.

می‌گوید: "تعمیر این کشتی هر روز پیچیده‌تر می‌شود و حتی اگر تعمیر شود استحکام و قدرت یک کشتی نو را ندارد. تمام مشکلات انسان به هم پیوسته است و راه حل جامع و پیوسته‌ای می‌طلبد اما به دلیل راه‌حل‌های جزئی و ناقص تلاش و کوشش متخصصان ما به نتیجه مطلوب و دلخواه نمی‌رسد."

یحیی بر این باور است: "خارج شدن از کشتی امروزی بشر ممکن نیست مگر با داشتن جایگزین مناسب، و حضرت امام(ره) چارچوب این کشتی جدید را به ما دادند و از ما خواستند تا بعد از انقلاب سیاسی، انقلاب فرهنگی را بسازیم."

او پیشنهاد می‌دهد که "ما باید در ساخت این کشتی نجات از تاریخ اسلام به ویژه اوایل دوره طلایی آندولس که با بصیرت عمیق و سبقت در خیرات از بهترین تجربه‌های مسلمانان شده، استفاده کنیم. ما می‌خواهیم با هدایت مقام معظم رهبری در گوشه‌ای از ایران یک جامعه کامل‌تر بسازیم و این جامعه کامل را در قالب یک شهرک اجرا کنیم.

این جامعه (کشتی) باید بدون نفوذ افکار غلط رایج از ابتدا با فرهنگ صد در صد اسلامی و الهی باشد تا شرایط برای برپایی دولت موعود فراهم شود.

حال ما برای ساخت این جامعه قدم‌هایی برداشته‌ایم و در موضوعات شهرسازی، تغذیه و کشاورزی الهی و... طرح‌هایی را اجرا کرده‌ایم تا مردم به ویژه جوانان با دیدن یک روش کامل و انقلابی با ما در ساخت این جامعه نمونه همکاری کنند."

یحیی معتقد است که فکر کامل، پیروی از ولایت فقیه، کار جدی و برادرانه، زمین و آب از مهم‌ترین نیازها برای ساخت شهرک نمونه است.

چرا قم؟

قطعا برای خیلی‌ها این سؤال پیش می‌آید که چرا یحیی پانز از میان همه شهرهای

فرهنگی، تاریخی و مذهبی کشور، شهر قم را برای سکونت انتخاب کرده است؟

یحیی شهر قم را مرکز علم شیعی دنیا می‌داند و می‌گوید: "مقام معظم رهبری می‌فرماید قم باید نمونه باشد. قم کانون تفکر شیعی است و من برای رسیدن به حقیقت راه میان‌بر را انتخاب کرده‌ام."

او در مدت اقامت خود در قم تجربه‌های زیادی را پشت سر می‌گذراند.

یحیی پانز را خدا برای جستجوی حقیقت و فهمیدن خلق کرد. او افتخار می‌کند که تنها مسلمان شد و هیچ کسی او را به خدا معرفی نکرد.

یحیی عاشق حقیقت است و این عشق روز به روز در او جوانه می‌زند اما همیشه در حسرت این است که چرا قبل از رحلت امام خمینی(ره) دیداری با ایشان نداشته است.